

تبیین رابطه بین عوامل محیطی مؤثر بر برنامه‌ریزی استراتژیک فرهنگی

اکبر بهمنی*

رضا زارع**

حامد فاضلی کبریا***

چکیده

شتاب روزافزون تحولات در حوزه‌های مختلف، دانش و مهارت‌های نوظهور، تماس روزافزون فرهنگ‌ها و گسترش شبکه‌های ارتباطی در عرصه فرهنگ و اندیشه، چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی را در سطوح ملی و بین‌المللی به وجود آورده است. لذا یافتن قانونمندی‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در مواجهه با این پدیده مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته است و دولت‌ها باید در جهت‌گیری‌های کلی سیاست‌ها و راهبردها به شکل‌گیری نوع جدید جامعه جهانی توجه کنند. برای حفظ و ترویج و تبادل فرهنگ جامعه، نظام حاکم نیازمند برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی است، در راستای تدوین این برنامه‌ریزی توجه به عوامل محیطی مؤثر بر برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی مهم است. زیرا در صورت عدم شناسایی و تشخیص درست عوامل محیطی، عملیاتی کردن و اجرای برنامه با مشکل مواجه می‌شود. در این مقاله عوامل محیطی مؤثر بر برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی در سه‌شاخه عوامل اقتصادی، سیاسی و فناوری در نظر گرفته شده است. این نوشتار برخاسته از پژوهش بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده از پرسشنامه در سازمان تبلیغات اسلامی - شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی متشکل از مدیران، کارشناسان و متخصصان موضع پژوهش انجام گرفت. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری نشان داد که بین عوامل محیطی مؤثر در برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی کشور رابطه معنی‌داری وجود دارد. در ادامه به رتبه‌بندی عوامل اقتصادی - سیاسی و فناوری پرداخته شد و در نهایت الگوی تحلیلی پژوهش در نرم‌افزار لیزرل مورد تحلیل و آزمون قرار گرفت و الگو مورد تأیید قرار گرفت.

واژگان کلیدی

فرهنگ، عوامل محیطی، برنامه‌ریزی راهبردی، برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی و تحول فرهنگی

* استادیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: bahmani.akbar@gmail.com

Email: rezazare@pnu.ac.ir

Email: fazeli2233@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۶/۶/۲۳

** استادیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران

*** استادیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران

تاریخ ارسال: ۹۶/۲/۲۷

فصلنامه راهبرد / سال بیست‌وششم / شماره ۸۵ / زمستان ۱۳۹۶ / صص ۱۱۶-۸۷

جستار گشایی

بی‌گمان در دنیای امروز هر کشوری که مبنای علمی و خردمحور را پیشه فعالیت‌های خود قرار دهد، می‌تواند در روند توسعه تأثیرگذار باشد. در این راستا مقوله فرهنگ که به‌نوعی بنیان و اساس جامعه را تشکیل می‌دهد، نمی‌تواند بر اصول غیرعلمی و برنامه‌ریزی نشده استوار شود. بی‌برنامگی و فرم نامناسب الگوهای فرهنگی در مقابله با دیگر کشورها که با آگاهی و با برنامه پا در عرصه جهانی می‌گذارند، کشور را در مقابل هجوم مهاجمان فرهنگی تا اندازه‌ای ناکارآمد و آسیب‌پذیر می‌کند. درنهایت این هجوم موربانه‌وار به زیربنای فرهنگی کشور حمله کرده و به تخریب فرهنگ بومی و درنهایت با ایجاد بحران هویت در کشور، کمر همت می‌بندند که گویی عناد آنها با ساختارهای فرهنگی کشور ابدی است. بنابراین پرسش حائز اهمیت این است که آیا در مواجهه با کشورهای دیگر که برای فعالیت‌های فرهنگی خود که به‌نوعی در تضاد با فرهنگ اصیل کشور ماست، از برنامه‌ها و بودجه‌های کلان استفاده می‌کنند؛ می‌توان بدون برنامه‌ریزی بلندمدت و راهبردی در حوزه فرهنگ به مقابله پرداخت؟

به‌عبارتی دیگر، مشکل اصلی این است که با افزایش رفت‌وآمد مردم به کشورهای دیگر و مطالعه آداب‌ورسوم و سنن فرهنگ‌های دیگر و پیشرفت فناوری، بسیاری از کشورهای استعمارگر و قدرتمند جهان با استفاده از ابزار فرهنگ سعی در سلطه بر کشورهای در حال توسعه که این امر بیشتر به‌صورت تهاجم فرهنگی است. تهاجم فرهنگی از یک‌سو، سبب تخریب مبانی و مبادی فرهنگی با روش‌هایی مانند تمسخر، استهزا و بی‌ارزش و مخرب جلوه دادن عناصر گوناگون وابسته به حیات یک فرهنگ می‌شود و از سوی دیگر، به ورود عناصر منفی و مخرب فرهنگی با جلوه‌های جذاب و دلنشین منجر می‌شود. به همین دلیل مطالعه محیط برای جلوگیری از نابودی ارزش‌های حاکم بر جامعه و مقابله با هجوم سلطه‌گران امری ضروری است. توجه به این نکته که بسیاری از مشکلات در حوزه‌های گوناگون جامعه، ریشه در مباحث فرهنگی دارد، محیط جامعه باید به‌خوبی مورد کنکاش قرار گیرد تا نظام جمهوری اسلامی از مبانی و ارزش‌های اساسی خود منحرف نشود.

در مورد ضرورت توجه به فرهنگ باید روشن شود که فرهنگ به چه میزانی از اهمیت برخوردار است؟ آیا فرهنگ مسئله‌ای حاشیه‌ای و جنبی یا مسئله‌ای تعیین‌کننده و بنیادی است؟

مهم‌ترین چالش فراروی مدیران و مسئولان کشور، سرعت تغییرات محیطی در جوامع امروزی است. عواملی مانند ماهیت اجتماعی، فناوری، سیاسی و اقتصادی که بر موفقیت یا عدم موفقیت یک سازمان یا کشور اثر می‌گذارد، از جمله مواردی هستند که در مقوله تغییرات

محیطی می‌گنجند. جهانی شدن و حرکت تمامی جوامع به سوی جهانی واحد که در آن همه چیز در سطح جهانی مطرح و نگریده می‌شود، در بعد فرهنگی، تداخل فرهنگ‌ها و تضعیف مرزها و هویت‌ها را در پی داشته است. امروزه جهان معاصر تحت تأثیر پدیده نوظهور جهانی شدن به عنوان مولود رشد و توسعه فزاینده ارتباطات و فناوری اطلاعات، تحولات فراوان و متنوعی را در حوزه‌های مختلف اجتماعی همچون سیاست، اقتصاد و فرهنگ تجربه می‌کند. از آنجاکه نمی‌توان مرزهای نفوذناپذیری در مقابل اشاعه اندیشه‌ها و کالاها ایجاد کرد، در بلندمدت، جهانی شدن گسترش خواهد یافت. پویای مرزگشای جهانی شدن به این دلیل بارزتر می‌شود که طی دهه‌های گذشته گسترش فراوان امکانات، منافع و بازارها، زمینه بالقوه رواج عالم‌گیر آنها را فراهم ساخته است. اما باید چه کرد؟ آیا باید با مقاومت یا فرار در برابر این تحولات اجتناب‌ناپذیر، موضع انفعالی داشت یا به‌طور فعال به کنترل و هدایت تغییرات در مسیر مناسب اقدام کرد؟

امروزه از دانش مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی عمدتاً سازمان‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی بهره‌گیری می‌کنند و سابقه و میزان استفاده از این نوع مدیریت و برنامه‌ریزی در بخش فرهنگی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، بسیار اندک و ناچیز است. ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که یک حرکت عظیم فرهنگی بود، صرف‌نظر از موفقیت‌های چشمگیر در حوزه فرهنگ، همواره با بحران‌های متعددی روبه‌رو بوده است. این چالش‌ها را باید عمدتاً ناشی از ورود الگوهای فرهنگی غربی، فقدان یک نظام مدیریت کارآمد و برنامه‌ریزی جامع و هدفمند دانست که همچنان کشور را با تهدیدات جدی مواجه ساخته است. به‌طوری که باید اذعان کرد فقدان یک مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی، زمینه بهره‌مندی کشور را از فرصت‌های طلایی در حوزه‌های فرهنگی کاهش داده و هم‌اکنون ما را در قبال بسیاری از معضلات فرهنگی منفعل ساخته است (حسینی، ۱۳۸۲: ۶۴).

فرهنگ، کیفیتی متعالی در حیات انسان دارد که باید توسعه یابد. تمامی کشورهای جهان ضرورت توسعه فرهنگی را دریافته‌اند و دولت‌ها را در توجه به آن متعهد ساخته‌اند. توسعه فرهنگی بخشی از توسعه عمومی و در عین حال لازمه آن است؛ به این صورت که توسعه عمومی هر جامعه‌ای در گرو توسعه فرهنگی است. تمامی دولت‌های جهان امروز این ضرورت را درک کرده‌اند که باید برای توسعه فرهنگی سیاست‌گذاری کنند و در اجرای سیاست‌های فرهنگی، برنامه تدوین کرده و به اجرای آن همت گمارند (حسینی، ۱۳۸۲: ۶۴).

از دیگر دلایل ضرورت توجه به موضوع فرهنگ و برنامه‌ریزی آن، تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری بر این مقوله است. معظم‌له در سال ۱۳۷۹ در جمع اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی

ضمن تأکید بر اهمیت و ضرورت نگاه سیستمی بر فرهنگ عمومی کشور خواستار برنامه‌ریزی در حوزه مسائل فرهنگی کشور در سطح کلان شدند. ایشان طی بیاناتی فرمودند: «بنده اصرار دارم که در محافل تصمیم‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران، یک مقوله مورد توجه قرار گیرد و آن مقوله فرهنگ است... به نظر ما مقوله فرهنگ از نظر تأثیرش در آینده یک ملت و یک کشور، با هیچ چیز قابل مقایسه نیست» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹).

بدیهی است همان‌گونه که در برنامه‌ریزی و مدیریت محیط‌زیست، یک کشور، ملت یا سازمان نمی‌تواند به دور از تأثیر محیط‌های دیگر عمل و درجه‌ای از تأثیر پذیرفته شده است، در مورد برنامه‌ریزی و مدیریت محیط فرهنگی هم چنین وضعیتی وجود دارد. در قبال تأثیرگذاری محیط‌های فرهنگی دیگر، لزوم صیانت و حفاظت از محیط فرهنگی کشور و تلاشی که سازندگان محیط‌های فرهنگی ناسالم برای نفوذ در محیط‌های فرهنگی دیگران دارند، نیازمند برنامه‌ریزی راهبردی در حوزه فرهنگ هستیم که این مهم با شناسایی عوامل محیطی تأثیرگذار بر برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی کشور تحقق می‌یابد.

۱. فرهنگ چیست؟

برای احتراز از ورود در تعاریف متنوع و متعددی که از سوی جامعه‌شناسان و سایر دانشمندان علوم انسانی پیرامون فرهنگ و چیستی آن شده است، به‌طور خلاصه با بهره‌گیری از بعضی تعاریف جامع‌تر، منظور از فرهنگ را تشریح می‌کنیم.

اینگلهارت، جامعه‌شناس معاصر، فرهنگ را نظامی از نگرش‌ها، ارزش‌ها و دانشی می‌داند که به طرز گسترده در میان مردم مشترک است و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۲۰؛ عیوضی و ترک، ۱۳۹۲). شاین، فرهنگ را الگویی از مفروضات اساسی می‌داند که یک گروه اجتماعی برای حل دو مسئله بنیادین تطابق با محیط بیرونی^۱ (شیوه ادامه بقا) و ایجاد انسجام درونی^۲ (شیوه در کنار هم ماندن) خلق یا ایجاد کرده است (Schein, 1999: 17). رشاد، فرهنگ را جهان زیست‌نافیزیکی جمعی انسان می‌داند و معتقد است که فرهنگ مثل اتمسفر، فضای تنفسی و تجربی حیات جمعی آدمیان است (نشریه مهندسی فرهنگی، ۱۳۸۵: شماره ۶).

فرهنگ به‌مثابه خون جاری در رگ‌های جامعه، شرایط حیات طبیعی جامعه را فراهم ساخته و آن را از آفت پراکندگی اعضای خود مصون نگه می‌دارد و امکان فعالیت را برای تمام قسمت‌ها و بخش‌ها فراهم می‌سازد (Bernstein, 2014). همچنان که فعالیت‌های بخش‌های

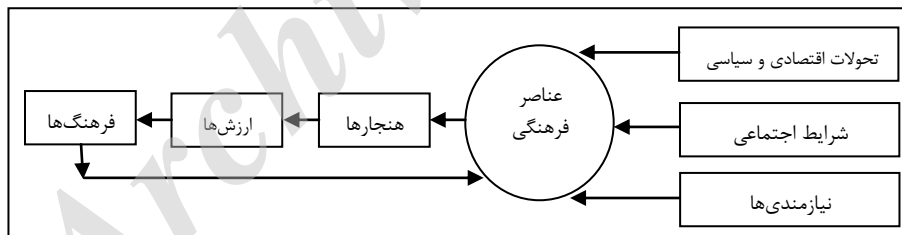
1. External adaptation

2. Internal Integration

مختلف بدن مدیون طراوت و جریان مداوم حیاتی خون است، فرهنگ یک جامعه نیز ریشه و پایه در کلیه مسائل آن نظام دارد. به عبارتی، هرچند فعالیت‌های یک جامعه در مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی متفاوت به نظر می‌رسند و حفظ نظام حکومتی یک کشور بستگی به نوع فعالیت‌ها در حوزه‌های بالا دارد، ولی نحوه فعالیت و سیاست‌گذاری در این بخش‌ها، متأثر از فرهنگ آن نظام اجتماعی است. از این‌رو، هر فرهنگی که در طول تاریخ توانسته زمینه‌ای مناسب برای انسجام جامعه خود فراهم سازد و حرکت آن به سوی پیشرفت و تعالی را تأمین کند، از پویایی مناسبی برخوردار بوده و مداومت و بقای بیشتری داشته است (Inayatullah, 2015). به طوری که اگر نظام فرهنگی با شاخصه‌ها و مبانی خود، همه مناسبات اجتماعی، سیاسی، نظامی و اقتصادی را احاطه نکند و با ارائه الگویی مناسب، سیستم‌سازی را در تمام ابعاد توسعه ندهد، عوامل دیگر به اقتضای شرایط، نقش پدیده‌های فرهنگی را بازی می‌کنند و هدایت جامعه را به سوی مقاصد خود در دست می‌گیرند.

فرایند عمومی تحول فرهنگ را می‌توان به صورت نمودار (۱) ترسیم کرد. در این فرایند چنان که مشخص است عوامل اثرگذار بر فرهنگ از سه ناحیه وارد می‌شوند. با ورود هر یک از آنها در عناصر فرهنگی تغییر ماهوی ایجاد می‌شود و با هر تغییر در ارزش‌ها و هنجارها، شیوه‌های رفتاری تغییر می‌یابد که از آن به عنوان تغییر فرهنگ یاد می‌کنند. این فرایند همواره در زندگی انسان جریان دارد، ولی تغییرها عموماً به حدی کند که به چشم نمی‌آید.

نمودار شماره (۱) - فرایند عمومی تحول فرهنگ



(منبع: نویسندگان)

فرض بنیادین در این الگو ساده این است که با ایجاد تحولات اقتصادی و سیاسی، ایجاد شرایط جدید اجتماعی و حصول نیازمندی‌های تازه، هنجارهای افراد تغییر می‌کند. این تغییر باعث دگرگونی در ارزش‌ها شده و طبعاً تغییر آنها و باورها موجب ایجاد نیازمندی‌ها و خواست‌های تازه می‌شود. در پی آن، افراد برای رفع نیازها و خواست‌های جدید اقدام به کارهای خاص می‌کنند که این امر موجب اتخاذ شیوه‌های متفاوتی از زندگی یا فرهنگ جدید متناسب با مقتضیات جدید می‌شود و گذشت ایام و تغییر در شرایط باعث دگرگونی دوباره در این

شیوه‌ها می‌شود یا اینکه ارزیابی و درصد تأمین خواست‌ها باعث تثبیت و یا تغییر مجدد آنها می‌گردد. برای مثال وقتی جوانی در یک گروه قرار می‌گیرد که همه خالکوبی دارند، او می‌خواهد یا مجبور است خود را با بقیه تطبیق دهد (مقایسه اجتماعی) و می‌خواهد از دیگران عقب نماند (احساس محرومیت نسبی) یا دیگران او را مسخره می‌کنند (مجازات) و او به علت نیاز به احترام و جلوگیری از بی‌حرمتی، از کاری که دیگران می‌کنند (هنجار) پیروی می‌کند. وقتی این رفتار به مرور زمان پایدار شد و به نسل‌های بعدی انتقال یافت، آن وقت به یک عنصر فرهنگی، یعنی جزئی از فرهنگ تبدیل می‌شود (رفیع‌زاده، ۱۳۷۸: ۳۱۷). تحلیل و تبیین فرایند تغییر از نظر کمی و کیفی نیازمند بررسی الگوهای دگرگونی در جامعه است. در اینجا نقش متغیرهای فرهنگی تعیین‌کننده است.

۲. تعامل فرهنگ و اقتصاد

کارل مارکس اعتقاد داشت که اقتصاد زیربنا و فرهنگ روبنا است. به این معنا که هر جامعه‌ای که از مواهب طبیعی، آب‌وهوا و اقلیم با برکت و نعمت بیشتری برخوردار باشد، طبعاً ساعات کمتری را صرف کار برای تأمین معاش خواهد کرد، لذا فرصت بیشتری را به دیگر امور از قبیل هنر، ادبیات و فلسفه و به‌طور کلی فعالیت‌هایی که سبب پیشرفت‌های فرهنگی خواهند شد، اختصاص خواهد داد. در نظر او فرهنگ میوه درخت اقتصاد است؛ زیرا به دست کسانی گسترش می‌یابد که اوقات فراغت بیشتری دارند (Kuosa, 2015).

فرهنگ می‌تواند بر پیامدهای اقتصادی جامعه از سه راه، تأثیر عمده بگذارد:

۱. فرهنگ بر کارایی اقتصادی تأثیر می‌گذارد؛ یعنی از طریق ترویج ارزش‌های مشترک در جامعه، راه‌های انجام فراگردهای اقتصادی تولید توسط اعضای جامعه را تعیین می‌کند.
۲. فرهنگ ممکن است بر انصاف (عدالت اجتماعی) تأثیر بگذارد. برای مثال با القای اصول اخلاقی مشترکی که سبب می‌شوند دغدغه دیگران در افراد وجود داشته باشد و بنابراین ایجاد سازوکارهایی را تشویق می‌کنند که این دغدغه به‌وسیله آنها بیان می‌شود.
۳. می‌توان فرهنگ را تأثیرگذار بر اهداف اقتصادی و اجتماعی یا حتی تعیین‌کننده اهدافی اقتصادی و اجتماعی دانست که جامعه تصمیم می‌گیرد آنها را تعقیب کند. در سطح یک گروه کوچک، فرضاً یک شرکت تجاری، ممکن است در فرهنگ شرکتی دغدغه و توجه به کارمندان و شرایط کاری آنان وجود داشته باشد و امکان دارد این ارزش‌ها از اهمیت سودجویی یا دیگر مقاصد اقتصادی در اهداف تجاری بکاهد.

در سطح اجتماعی ممکن است ارزش‌های فرهنگی با تعقیب پیشرفت مادی کاملاً هماهنگ باشند و امکان استفاده از ضابطه‌های موفقیت اقتصاد کلان برای تمایز گذاشتن میان جوامع

موفق و ناموفق را فراهم آورند (Lands, 1998: 516). از طرف دیگر، فرهنگ دیگر جوامع ممکن است به گونه‌ای باشد که تعقیب پاداش مادی را به نفع اهداف غیرمادی مربوط به کیفیت‌های گوناگون زندگی تعدیل کند، در نتیجه بر آهنگ و مسیر رشد اقتصادی تأثیر بگذارد؛ در چنین مواردی ضابطه‌های تعریف‌کننده موفق و ناموفق با مورد قبلی تفاوت خواهند داشت. به وسیله این سه راه، تأثیر فرهنگ بر رفتار فردی در پیامدهای جمعی منعکس خواهد شد. برای مثال در یک سطح جمعی، تأثیر فرهنگ بر پیامدهای اقتصاد کلان را می‌توان برحسب این اصطلاحات مشاهده کرد.

نماگرهای کارایی که عبارتند از میزان رشد تولید ناخالص داخلی سرانه، میزان تغییر فناوریانه، سطوح اشتغال و بیکاری، میزان‌ها و مسیرهای تغییر ساختاری، تورم کاهش فساد و نظایر آنها.

نماگرهای انصاف (عدالت) که عبارتند از: طرح‌های توزیع درآمد، کاهش فاصله طبقاتی، برنامه‌های رفاه اجتماعی از جمله مراقبت از سالمندان و بیمه بازنشستگی، حمایت و مراقبت از بیماران و حمایت بیمه‌های درمانی و...

نماگرهای اهداف اقتصادی و اجتماعی از جمله کاهش فقر، کاهش فساد، انگیزه‌های مادی و غیرمادی مانند پاداش‌های مادی و غیرمادی.

امروزه نقش و اهمیت شاخص‌های اقتصادی در برنامه‌ریزی و مدیریت کشور بر کسی پوشیده نیست. در اقتصاد امروز دنیا، شاخص‌های مختلفی محاسبه می‌شوند که هر یک می‌تواند به نوعی بخشی از وضعیت اقتصادی یک منطقه یا کشور یا گروهی از مردم را به نمایش گذارد. این مسئله عاملی در جهت بهبود ارزیابی‌ها و تجزیه و تحلیل‌های انجام‌شده در خصوص توانایی و امکانات اقتصادی آن منطقه است. یکی از این شاخص‌های مهم اقتصادی، تورم است که عبارت از افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در یک دوره زمانی معین است (طباطبایی یزدی، ۱۳۸۶: ۲). از عوامل تورم می‌توان به تورم ناشی از فشار تقاضا، تورم ناشی از فشار هزینه‌ها، تورم وارداتی و تورم ساختاری اشاره کرد. تورم، نتایج و آثاری چون آثار حقوقی-سیاسی-روانی، اثر بر تولید و غیره دارد. ریشه بسیاری از عوامل ایجاد تورم می‌تواند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با فرهنگ در ارتباط باشد (سرآبادانی، ۱۳۸۶: ۱۰۴).

امروزه تقریباً تمامی کشورهای جهان، با مشکل بیکاری دست به گریبان هستند، اما پدیده بیکاری در کشورهای توسعه‌یافته امری تصادفی و محدود به بخش‌های کم‌و بیش ضعیف اقتصادی است، در حالی که در کشورهای در حال توسعه بیکاری امری عمومی است و مربوط به نظام اجتماعی عمومی است؛ زیرا تقریباً همه جمعیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد (کلانتری،

۱۳۸۴: ۱۱۱). در اقتصاد به شخصی بیکار گفته می‌شود که در دستمزدهای رایج بازار حاضر به کار باشد، ولی شغلی برای او وجود نداشته باشد (نظری، ۱۳۸۷: ۲۳۲).

اگر عملکرد اقتصادی را به شیوه‌هایی که در بالا اشاره شد، متأثر از عوامل فرهنگی بدانیم، در این صورت اقتصاد چقدر با این دیدگاه کنار آمده است؟ به اعتقاد کاسون اقتصاد در حال کنار آمدن با فرهنگ است. با این همه، هنوز میان اقتصاددانان به‌ویژه در سطح اقتصاد کلان چنین شکاکیتی وجود دارد که آیا عوامل فرهنگی در تعیین عملکرد اقتصادی کشورها نقش داشته است و در صورت مثبت بودن جواب این پرسش، نقش آنها چقدر بوده است (Throsby, 2001: 91). برای مثال، درباره منابع رشد پس از جنگ جهانی دوم در ژاپن و سپس در کره جنوبی، هنگ‌کنگ، تایوان و سنگاپور اختلاف‌نظرهای شدیدی وجود داشته است. اقتصاددانان در این زمینه اختلاف‌نظر دارند که سیاست‌های صنعتی هدف و دخالت‌های راهبردی دولتی که به نحو بارزی مخالف قواعد راست‌گیشانه (رسمی - سنتی) نوکلاسیک بوده تا چه حد در پیشبرد شتابنده عملکرد اقتصادی مؤثر بوده‌اند. با این همه می‌توان نقش بنیادی‌تر و فراگیرتری برای فرهنگ قائل شد که مطابق آن، پاره‌ای از اصول فرهنگی معین که تا حد زیادی از آیین‌نامه کنفوسیوس مشتق شده‌اند، به ایجاد شرایط مربوط به موفقیت اقتصادی کمک کرده‌اند. این عوامل شامل دغدغه رفاه و احترام متقابل اجتماعی، اخلاق کاری معطوف به موفقیت، توجه به اهمیت خانواده، اعتقاد درخصوص نیاز به آموزش، احترام به سلسله‌مراتب و مرجعیت و نظایر آنها (Arrow, 1998: 42). به عنوان مثال در مورد ژاپن عواملی مانند مذهب، نگرش‌های خانوادگی و فرهنگ همگون ملت، طرح‌های همکاری در جامعه به لحاظ فرهنگی همگون ملت و نهادهای شرکتی ژاپن و نحوه عمل آنها را شکل داده است. بدین ترتیب می‌توان گفت بنیان‌های فرهنگی جامعه ژاپن در همه جنبه‌های حیات اقتصادی این کشور نفوذ کرده است (Hayami, 2005: 14-17).

مشکل حل مناقشه نظری گوناگون درباره تأثیر فرهنگ بر عملکرد اقتصادی عبارت از عدم دسترسی به داده‌های مناسب برای سنجش نظریات رقیب است. با این همه، پیشرفت‌هایی در جمع‌آوری و تفسیر اطلاعات تجربی در زمینه فرهنگ و اقتصاد در حال انجام است. برای مثال، اندازه‌گیری ویژگی‌های فرهنگی مرتبط و گنجاندن آنها در الگوهای رشد اقتصادی، اهمیت کمی زمینه فرهنگی فعالیت اقتصادی را به‌طور شفاف‌تری نشان می‌دهد. برای مثال، رونالد اینگلههارت دامنه وسیعی از نگرش‌های فردی به مذهب، کار، خانواده و مسائل اجتماعی را در سطح وسیعی از کشورها فهرست می‌کند و آنها را با موفقیت‌های اقتصادی مرتبط می‌سازد (Inglehart, 2000).

۳. تعامل فرهنگ و سیاست

سیاست اگرچه تعاریف مختلفی داشته است و ارائه یک تعریف جامع و مانع از آن، امری سهل و ممتنع است، ولی در جمع‌بندی کلی، سیاست به معنی مدیریت کلان دولت و راهبرد امور عمومی در جهت مصلحت جمعی و انتخاب روش‌های بهتر در اداره شئون کشور یا علم اداره یک جامعه متشکل یا هنر تمشیت امور مردم در رابطه با دولت آمده است که ارتباط با زندگی انسان‌ها دارد (عمیدزنجانی، ۱۳۷۴: ۵۶).

در متون دینی نیز، این واژه مکرراً به کار رفته است. از جمله اوصافی که در ادعیه و زیارت‌ها برای ائمه اطهار (ع) وارد شده سلسله العباده است. از این رو در مکتب اسلام تدبیر امور جامعه و اعمال سیاست از خصایص رهبران الهی معرفی شده است که به واسطه آن انسان‌ها در مسیر هدف خلقت تربیت می‌شوند. بر حسب روایات اسلامی سیاست و حکومت، شعبه‌ای از امامت است و یکی از ویژگی‌های امام، آگاهی به سیاست است.

در تمام دوره‌های تاریخ بشری، همه فیلسوفان از افلاطون و ارسطو تا هابز، لاک، روسو و دیگران در پی آن بودند که بحران‌ها، معضلات و تضادهای درون جامعه را ریشه‌یابی کنند و شیوه‌های معقول دستیابی به نظم مطلوب را برای سعادت بشر نشان دهند. هر یک بر اساس بینش و نگرش خاص خود نسبت به انسان، جامعه، حکومت و دیگر پدیده‌ها و مفاهیم و ساخت‌های سیاسی-اجتماعی، آرای خود را تجویز می‌کردند. برخی نظریه‌های متأخر، فرهنگ‌های سیاسی را به سه دسته تقسیم می‌کنند:

۱. فرهنگ محدود با ویژگی‌های محلی و سرسپردگی مطلق به قدرت؛
۲. فرهنگ انقیادی با ویژگی‌های آگاهی ملی و اطاعت‌پذیری؛
۳. فرهنگ مشارکت که دارای ویژگی‌های آگاهی ملی، آزادی‌های فردی و مشارکت آگاهانه در امور سیاسی و حکومتی است.

به عقیده این گروه فرهنگ سیاسی مطلوب، آمیزه‌ای از سه نوع بالاست که در آن شهروندان در تصمیمات شرکت می‌جویند و فرهنگ سیاسی دموکراتیک آن منعکس‌کننده اعتقادات، بینش‌ها، هنجارها و شیوه استنباط‌هایی است که مشارکت را تأیید و ترغیب می‌کند (Almanel, 1997: 6).

مشارکت سیاسی مردم را می‌توان فرایند شرکت مردم در انتخاب مسئولان نام نهاد. کشور ایران با نظام مردم‌سالاری دینی، سهم به‌سزایی را به مردم برای انتخاب مسئولان داده است و لذا تعدادی از مسئولان توسط رأی مستقیم مردم و تعدادی نیز به‌صورت غیرمستقیم از طرف نمایندگان مردم برای ادای وظیفه انتخاب می‌شوند. از دیگر عوامل تأثیرگذار بر سیاست یک

کشور، میزان ثبات در قوانین و مقررات است. ثبات در قوانین موجب می‌شود کشور به لحاظ سیاسی دارای ثبات و آرامش باشد.

۴. تعامل فرهنگ و فناوری

بشر برای رشد و استفاده از طبیعت و استخدام آن در جهت رفع نیازهای خود، استعداد فکری خویش را به کار می‌برد و با کسب علم و آگاهی از قانونمندی‌های طبیعت، ابزار لازم (فناوری) را کسب می‌کند. همین فرایند مستمر است که تمدن‌های بشری را شکل می‌دهد و با توسعه علم و آگاهی خود و به‌کارگیری فناوری‌های جدید و پیشرفته‌تری دست یافته است و با تکیه بر این دستاوردهای فناورانه بر طبیعت نیز مسلط شده است. با این وجود شواهد نشان می‌دهد که هر چه فناوری پیشرفته‌تر می‌شود، از خودبیگانگی انسان و از دست دادن مفهوم حیات انسانی و دوری او از خود حقیقی بیشتر جلوه می‌کند. نیل پستمن در کتاب *انحصارگری تکنولوژی* این‌گونه بیان می‌کند: «اغلب انسان‌ها به تکنولوژی به‌عنوان یک رفیق قابل اعتماد می‌نگرند. این موضوع به دو دلیل است. دلیل نخست اینکه تکنیک و صنعت، زندگی را آسان‌تر، تمیزتر و طولانی‌تر می‌سازد. مگر از یک دوست و رفیق چه توقعی غیر از اینها است. دلیل دوم اینکه تکنیک از مدت‌ها قبل و از همان آغاز، رابطه‌ای بسیار نزدیک و در عین حال انعطاف‌ناپذیرتر با فرهنگ داشته است. به دلیل همین نزدیکی و اثرگذاری، بررسی تأثیر فناوری در فرهنگ چندان ضروری به نظر نمی‌رسیده است» (پستمن، ۱۳۸۰: ۴۴).

فناوری به معنای فن‌شناسی است. بشر در طی تاریخ از دانایی خود بهره برده و برای رفع مشکلات زیستی خویش فنونی را ابداع کرده که این فنون دوران متعددی را طی کرده‌اند. تعاریف متعددی از فناوری ارائه شده است که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از: فناوری مجموعه‌ای از روش‌ها، تجربیات و علوم عملی است که مردم برای تسلط بر محیط و حل مشکلات مربوط به رابطه خود با محیط به کار می‌برند. فناوری یکی از خصیصه‌های فرهنگی زیربنایی انسان است که برای مؤثر بودن باید با انسان هماهنگی داشته باشد (Bernard, 2005: 96). فناوری عبارت از دانش فنی مورد نیاز برای شکل‌دهی و به‌کارگیری تجهیزات، ابزارها و شیوه‌های تولید یک ستاده خاص است (هچ، ۱۳۸۷: ۲۸۶).

برخی از صاحب‌نظران، فناوری را از نظر فرهنگی بی‌طرف دانسته و معتقدند که فناوری ابزارها و وسایلی را در اختیار جوامع می‌گذارد که می‌تواند فارغ از ارزش‌ها و اعتقادات و به‌طور کلی سیستم فرهنگی آن جوامع به خدمت گرفته شود و از آنها بهره‌برداری به عمل آید؛ یعنی فناوری را به‌طور کلی مستقل از فرهنگ و ارزش‌های جامعه خاصی دانسته و بر این باورند

که فناوری می‌تواند به‌عنوان وسیله‌ای در جهت نیت خیر یا اهداف شر به کار گرفته شود و تنها هدف به‌کارگیری اهمیت دارد.

عده‌ای دیگر نیز درمقابل بر این باورند در صورتی که ساختار وسایل و ابزار و تکنیک استفاده از آنها مدنظر باشد، می‌توان تأثیر متقابل فناوری و فرهنگ بر هم را منتفی دانست، اما اگر با دیدی جامع و سیستمی به موضوع نگاه شود این نکته مورد توجه قرار می‌گیرد که فناوری اجزای مختلف دارد و به این حد و حدود محدود نمی‌شود، عقاید تغییر خواهد کرد و با باز شدن پای انسان به این حیطه، گزینه‌ها و متغیرهای نوینی مطرح خواهند شد که نگرش و عقیده عدم تأثیر متقابل فناوری و فرهنگ بر هم رد می‌شود. چرا که در این حالت فناوری مستقل از زندگی نامفهوم و بی‌معنا بوده، بلکه به صورت قسمتی از زندگی خودنمایی خواهد کرد و در صورتی که قصد به‌کارگیری آن در جامعه‌ای خاص مطرح باشد، باید که نظام فرهنگی دربرگیرنده مجموعه ارزش‌های شکل‌دهنده الگوی فعالیت افراد آن جامعه مورد توجه باشد.

جامعه‌شناسان به رابطه فرهنگ و فناوری توجه ویژه‌ای کرده‌اند. این مسئله مورد توجه صاحب‌نظران مدیریتی نیز قرار گرفته است. در حوزه کشورهای جهان سوم گفته شده است که فهم نادرست آنها از رابطه فرهنگ و فناوری موجب شده تلاش کافی از سوی این کشورها برای همساز کردن فناوری وارداتی با نیازها و مناسبات خاص خود صورت نگیرد و در نتیجه گسیختگی در نظام فرهنگی - اجتماعی ایجاد کند. یکی از جنبه‌های مهم رابطه فرهنگ و فناوری رابطه بین فناوری اطلاعات و فرهنگ است که آثار اجتماعی عظیمی بر جامعه دارد. اگر باورها و ارزش‌های فرهنگی را برنامه‌ریزی جمعی ذهنی بدانیم که یک گروه انسانی را از گروه دیگر متمایز می‌کند (Hafstede, 2001: 25)، رابطه پیچیده انسان - ماشین در انتقال اطلاعات بدین معنی است که فرهنگ هم بر طراحی سیستم‌ها و هم بر نحوه به‌کارگیری آنها تأثیر می‌گذارد (Straub et al, 2001:10). فناوری‌های اطلاعاتی طراحی و تولید شده در کشورهای پیشرفته، سوگیری فرهنگی به سود سیستم‌های اجتماعی - فرهنگی صنعتی دارند و با مقاومت فرهنگی در خلال فرایند انتقال فناوری مواجه می‌شود.

فناوری‌های جدید اطلاعاتی (به‌خصوص اینترنت) هرچند موجب ارتباطات سریع می‌شوند و اطلاعات را مبادله می‌کنند که منبع ایجاد قدرت است اما از آنجاکه این فناوری‌ها امکان ناشناس ماندن تولیدکننده اطلاعات، تعامل‌پذیری، بازتولیدپذیری و کنترل‌ناپذیری اطلاعات را فراهم می‌آورند (موحدی و عابسی، ۱۳۸۳: ۱۲۸)، می‌توانند آثار ناخواسته فرهنگی به وجود آورند که موجد مشکلات فرهنگی گوناگونی شود. این نگرانی به‌خصوص در مورد رسانه‌های گروهی، ماهواره‌ها و اینترنت شدیدتر است.

یکی دیگر از شاخص‌های فناوری اثرگذاری بر فرهنگ کارکنان دانش‌محور است و از این راه می‌تواند تأثیر به‌سزایی بر فرهنگ جامعه داشته باشد. تنها انسان‌ها هستند که می‌توانند ارزش افزودهای را ایجاد کنند که از تبدیل داده و اطلاعات به دانش ناشی می‌شود. اگر مدیریت دانش منحصراً به گروهی کوچک یا حتی بزرگ از کارکنان ستادی سپرده شود قطعاً موفق و نتیجه‌بخش نخواهد بود. باید به خاطر داشت که مدیران و کارکنانی که (طراحی و مهندسی، تولید، فروش و ارائه خدمات به مشتریان) برای تأمین معاش انجام می‌دهند باید به کارهای متعدد روزانه مربوط به مدیریت دانش نیز بپردازند.

کارشناسان و متخصصان، نقش عمده‌ای در موفقیت دانش ایفا می‌کنند، اما فعالیت‌ها و نگرش‌های کسانی که برای انجام کارهایی غیر از مدیریت دانش حقوق می‌گیرند، در موفقیت این نوع مدیریت نقشی مهم‌تر دارد. مدیران برنامه‌ریزی، تحلیلگران تجاری، مهندسان طرح و تولید و حتی منشی‌ها و مستخدمان، از جمله مهم‌ترین مدیران دانش به شمار می‌آیند. تمام آنها در کارهای روزانه خود به خلق، جستجو، تسهیم و استفاده از دانش احتیاج دارند و به‌این ترتیب شکی نیست که مدیریت دانش باید به بخشی از وظایف همه کارکنان بدل شود. یکی از ملزومات حوزه کاری مدیریت دانش این است که دانشگران یکدیگر را شناسایی کرده و باهم تشکلهای حرفه‌ای ایجاد کنند. همچنین دانشکاران خوب در هر سطحی، باید ترکیبی از مهارت‌های سخت (دانش سازمان‌یافته، توانایی فنی و تجربیات حرفه‌ای) و نیز ویژگی‌های نرم (برداشت عمیق از جنبه‌های شخصی، سیاسی و فرهنگی دانش) را داشته باشند (شریف‌زاده و بودلایی، ۱۳۸۷: ۹۷).

۵. الگوی راهبردی برنامه‌ریزی فرهنگی

در حوزه فرهنگ، به دلایل کیفی و قابل تفسیر بودن فعالیت‌ها، رسیدن به اجماع درباره چشم‌اندازها (در مقایسه با سایر حوزه‌ها نظیر حوزه صنعت) به مراتب پیچیده‌تر است. تفسیرها و تأویل‌های مختلف از مضامین، مفاهیم و واژه‌های موجود در حوزه مذکور نیز، به این پیچیدگی دامن می‌زند. به‌این ترتیب، برای طراحی برنامه‌ریزی راهبردی در حوزه فرهنگ، نخست باید رسالت‌ها یا مأموریت‌های اساسی هریک از حوزه‌های فرعی تر یا زیرمجموعه حوزه فرهنگ مانند کتاب، مطبوعات، سینما، هنر، میراث فرهنگی و نیز ارزش‌ها و باورهای جامعه تدوین شود و در قالب چشم‌انداز مشترک^۳، اشتراک نظر به وجود آید تا گام‌های بعدی به‌صورت منطقی طی شود (طبرسا، ۱۳۸۲: ۹۶). برنامه‌ریزی فرهنگی^۴ عبارت از یک برنامه‌ریزی جامع و راهبردی

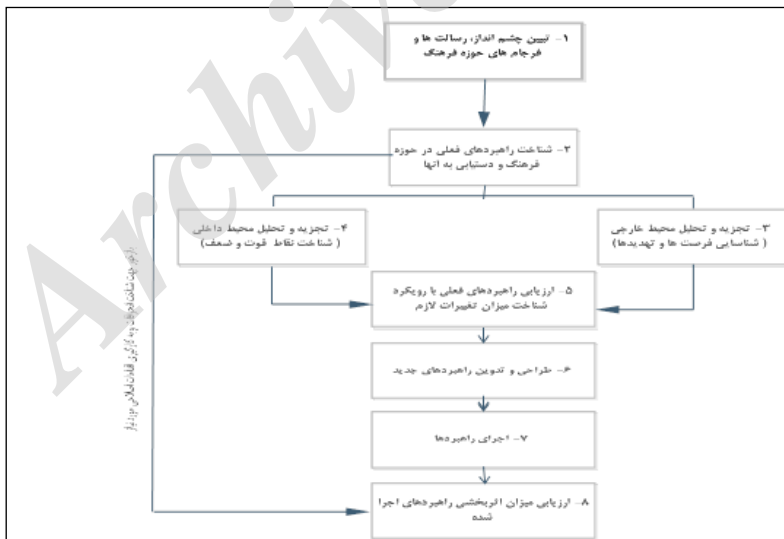
3. Shared Vision

4. Cultural Planning

برای استفاده مناسب از منابع فرهنگی جهت توسعه جامعه است (Ghilardi, 2004). برنامه‌ریزی استراتژیک فرهنگی^۵ برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی یعنی تنظیم روندی از پیش طراحی شده در رسیدن به اهداف مشخص و زمان‌بندی شده فرهنگی (8: Ghilardi, 2003) گام دوم، شناخت راهبردهای فعلی در حوزه فرهنگ است. در واقع، اطلاع از بود یا نبود راهبردها و چگونگی شناخت، برآورد و دستیابی به آنها در این مرحله رخ می‌نماید. چنین به نظر می‌رسد که ارزیابی راهبردهای فعلی، انتخاب و تدوین راهبردهای منطقی‌تر و منسجم‌تر را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

گام سوم و چهارم، تجزیه و تحلیل محیط خارجی و داخلی است که می‌تواند هم‌زمان صورت پذیرد. محیط، به مجموعه عواملی اطلاق می‌شود که خارج از مرز سازمان قرار دارند و بر عملیات سازمان تأثیر می‌گذارند. عمومی‌ترین مؤلفه‌های محیط شامل قوانین و مقررات، شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، مشتریان، فناوری، گروه‌های ذینفع، دولت، جامعه، سازمان‌های غیردولتی و در سطح بالاتر، نظام ارزش‌ها یا بایدها و نبایدها، باورها و مفروض‌هاست. در بعد محیط داخلی، عواملی مانند نیروی انسانی، مقررات و روش‌های انجام کار، ساختار و تشکیلات، منابع مالی، فرهنگ سازمان، ظرفیت فیزیکی و اندازه^۶ سازمان مطرح است (طبرسا، ۱۳۸۲: ۹۶). این مراحل در نمودار (۲) ترسیم شده است.

نمودار (۲) - الگوی سیاست‌گذاری راهبردی



(منبع: نویسندگان)

به‌طور خلاصه راهبرد توسعه‌گرا، فرهنگ را به‌عنوان زمینه‌ساز توسعه مطرح کرده و به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر برنامه‌های توسعه مورد توجه قرار داده است، به‌طوری که هرچه توسعه در سطوح و مراحل خود به میزان بیشتری با فرهنگ بومی و محلی عجین و نزدیک شود زمینه پایداری آن بیشتر فراهم شده است، ضمن آنکه فرآیند توسعه در این صورت به‌نوبه خود گامی در جهت تعالی و تحول فرهنگی جامعه خواهد بود (براتی، ۱۳۷۷: ۷۶). این راهبرد بر چند کانون اصلی متمرکز است:

۱. همگانی‌نمودن فرهنگ و خارج کردن آن از انحصار نخبگان.

۲. پی‌ریزی مبانی فرهنگی برای سیاست‌های اقتصادی.

۳. توسعه متوازن بخش فرهنگ با بخش‌های دیگر جامعه.

۶. تجزیه و تحلیل محیط

محیط جامعه یا محیط یک سازمان از عوامل متعددی تشکیل شده است. این عوامل بر روی سازمان یا به‌طور کلی جامعه تأثیر می‌گذارد. سازمان‌ها و جوامع برای ماندگاری و رشد، باید این عوامل را درک کرده، با جهت‌گیری مناسب به فرصت‌ها و تهدیدهای حاصل به بهترین شکل ممکن پاسخ دهند. لازمه این کار، شناخت عوامل تأثیر بر سازمان یا جامعه است. برای این امر الگوهایی ارائه شده است که عوامل تأثیرگذار محیط را تبیین می‌کنند. یکی از این الگوها الگوی پست^۷ (سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - فناورانه) است. این الگو در عین سادگی بسیار پرکاربرد است که به ادراک و تحلیل نمای کلی محیط عمومی کمک می‌کند.

عوامل سیاسی. تأثیر قابل توجهی در ایجاد فرصت یا تهدید برای یک بنگاه دارند. مواردی مانند مشارکت در تصمیم‌گیری‌های کلان، آزادی بیان، قوانین و مقررات و سیاست‌ها و خط‌مشی‌های دولتی، روابط خارجی، میزان فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی رسمی و میزان انسجام و همبستگی افراد اشاره کرد.

عوامل اقتصادی. شامل تمام منابع طبیعی و فیزیکی ذخیره‌شده در جامعه و تجمع تمام بازارهایی که در آن کالاها و خدمات به‌منظور کسب درآمد و دریافت پول مبادله می‌شوند. در سطح الگوهای محصولات صنعتی، مصرفی، درآمد، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، در دسترس بودن نیروی کار، سرمایه و تغییرات قیمت که این چنین فهرستی به‌عنوان تولید ناخالص ملی، تورم، مالیات، میزان بهره، میزان بیکاری، تغییرات نرخ برابری ارز، کاهش فساد و غیره جزء عوامل اقتصادی در محیط محسوب می‌شوند (هچ، ۱۳۸۷: ۱۱۹).

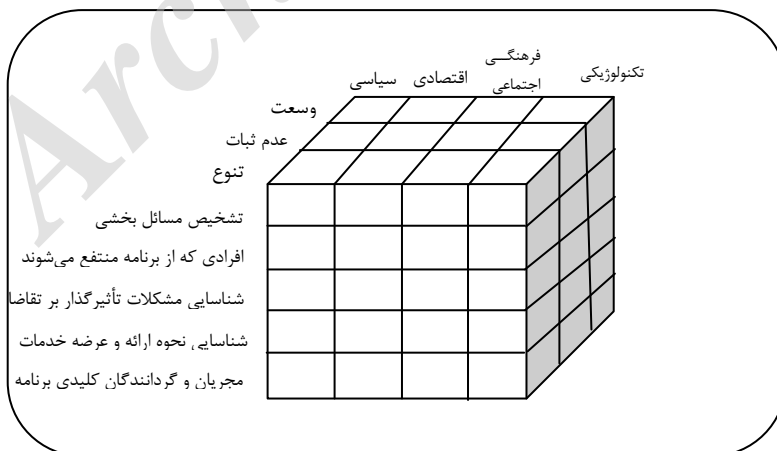
عوامل اجتماعی. از جمله عوامل اجتماعی می‌توان به رشد جمعیت، میزان مرگ و میر، ارزش‌های اجتماعی، برنامه‌های امنیت اجتماعی و ... اشاره کرد.

عوامل فناورانه. از عوامل فناورانه تأثیرگذار بر محیط کلان می‌توان به انقلاب اطلاعات و تولید حجم عظیم دانش، اکتشافات و اختراعات، تولیدات جدید از جمله اینترنت، ماهواره و کارکنان متخصص و دانش‌محور اشاره کرد (آهنچی، ۱۳۸۶: ۴۳۵).

تجزیه و تحلیل و بررسی محیطی یک بررسی سه‌بعدی است (شکل ۱)، ما نیاز به اطلاعاتی از محیط داریم که مدیران برنامه بتوانند بهترین تصمیمات را در پنج زمینه راهبردی اتخاذ کنند. بخش‌های مختلف یک محیط باید مورد بررسی قرار گیرد تا بر اساس آن اطلاعات مورد نیاز هر بخش راهبردی به دست آید. در فرایند این بررسی، مسائل مطروحه در زمینه‌های وسعت، تنوع و عدم ثبات در هر بخش و تأثیر هر یک از آنان بر زمینه راهبردی باید مشخص شود. نمودار (۳) ارتباطات سه‌بعدی را نمایش می‌دهد.

جستجو برای کسب اطلاعات و بینش محیطی از طریق و به کمک شکل زیر بهتر قابل حصول است. نخستین زمینه راهبردی تشخیص مسائل بخشی را به عنوان مثال انتخاب کنید. واحدهای افقی نشانگر بررسی اطلاعات محیطی از هر یک از بخش‌های مربوط به محیط است. واحدهای بالای این ردیف بر نیاز به بررسی هر یک از بخش‌های محیطی از نقطه نظر ابعاد وسعت، تنوع و عدم ثبات تأکید می‌کند. اهمیت نسبی بخش‌ها و ابعاد مربوطه ممکن است در برنامه‌های مختلف متفاوت باشد، اما چارچوب ارائه شده برای کلیه برنامه‌ها قابل استفاده است (پاول؛ ۱۳۷۴: ۷۷).

نمودار (۳) - چارچوبی برای تجزیه و تحلیل و بررسی محیطی



(منبع: نویسندگان)

فرضیه‌های مقاله

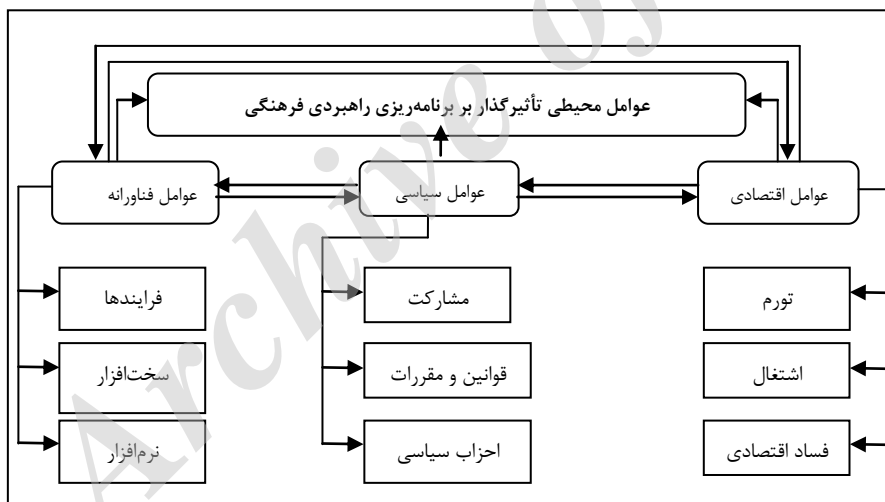
فرضیه اصلی بین عوامل محیطی مؤثر در برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی کشور رابطه معناداری وجود دارد؟ فرضیه‌های فرعی بین عوامل محیطی (اقتصادی) با عوامل محیطی (سیاسی) در برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی کشور رابطه معناداری وجود دارد.

بین عوامل محیطی (اقتصادی) با عوامل محیطی (فناوری) در برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی کشور رابطه معناداری وجود دارد.

بین عوامل محیطی (سیاسی) با عوامل محیطی (فناورانه) در برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی کشور رابطه معناداری وجود دارد.

الگوی تحلیلی. الگوی تحلیلی پژوهش شامل سه بعد عوامل سیاسی، اقتصادی و فناورانه است. هر کدام از این ابعاد دارای شاخص‌های زیادی هستند که بنا به نظر صاحب‌نظران شاخص‌های زیر لحاظ شدند و توضیحات لازم در زمینه الگوی تحلیلی در بخش ادبیات تحقیق ارائه شده است.

نمودار (۴) - الگوی تحلیلی تحقیق



(منبع: نویسنده)

روش‌شناسی. از آنجاکه در این تحقیق به دستکاری متغیرها نمی‌پردازیم، تحقیق از نوع توصیفی-همبستگی خواهد بود و از شاخه پیمایشی^۸ است؛ به گونه‌ای که اطلاعات موردنظر به صورت میدانی و از طریق پرسشنامه گردآوری شده است.

قلمرو زمانی پژوهش نیمه دی‌ماه ۱۳۸۷ تا مردادماه ۱۳۸۸ است. شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان تبلیغات اسلامی قلمرو مکانی تحقیق می‌باشند. جامعه آماری این پژوهش و مدیران سازمان‌های نامبرده در قلمرو مکانی پژوهش است. در این تحقیق حاضر از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده (SRS) بهره‌جسته‌ایم، در نمونه‌گیری تصادفی ساده هر یک از عناصر جامعه مورد نظر برای انتخاب شدن بخت مساوی دارند. برای تعیین حجم نمونه در این روش به صورت دومرحله‌ای زیر عمل می‌کنیم.

فرمول کلی حجم نمونه (فرمول ککران) به صورت زیر است:

$$n_0 = \frac{Z_{\alpha/2}^2 \text{var}(\theta)}{d^2}$$

در فرمول بالا $Z_{\alpha/2}$ مقدار نرمال استاندارد برای $(1-\alpha)100$ درصد اطمینان است. $\text{var}(\theta)$ واریانس پارامتر برآورد شده و d مقدار خطا است در صورتی که حجم جامعه نامحدود باشد از فرمول بالا استفاده می‌شود. ولی اگر حجم جامعه مشخص و برابر با N باشد به صورت زیر فرمول بالا تعدیل می‌شود.

$$n = \frac{n_0}{1 + \frac{n_0}{N}}$$

$N=210$ ، پس تعداد نمونه ما برای جامعه $N=210$ نفری برابر با $n=118$ است.

یافتن پاسخ و راه‌حل برای مسئله انتخاب‌شده در هر تحقیق، مستلزم دست‌یافتن به داده‌هایی است که از طریق آنها بتوان فرضیه‌هایی که به‌عنوان پاسخ‌های احتمالی و موقتی برای مسئله تحقیق مطرح‌شده‌اند را آزمون کرد. به‌طور معمول چهار ابزار عمده برای جمع‌آوری داده‌ها وجود دارد.

۱- بررسی (مراجعه به) مدارک و اسناد. ۲- مصاحبه. ۳- پرسشنامه.

روش گردآوری اطلاعات در مراحل مختلف این تحقیق متفاوت است.

تعداد پرسشنامه توزیع‌شده برابر با ۱۳۰ پرسشنامه است که تعداد ۱۲۱ پرسشنامه جمع‌آوری شد، اما به دلیل ابهام در سه پرسشنامه، ۱۱۸ پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت.

نگاره شماره (۱) - تعداد و وضعیت پرسشنامه‌ها در جامعه آماری

نام سازمان	تعداد پرسشنامه پخش‌شده	تعداد پرسشنامه جمع‌آوری‌شده
شورای عالی انقلاب فرهنگی	۳۰	۲۶
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	۵۰	۴۸
سازمان تبلیغات اسلامی	۵۰	۴۷
جمع کل	۱۳۰	۱۲۱

روایی^۹ و پایایی^{۱۰} پرسشنامه. در این پژوهش برای سنجش روایی پرسشنامه‌ها در ابتدا سعی شد از پرسشنامه‌های استاندارد استفاده شده و با استفاده از آنها، پرسشنامه ابتدایی تدوین گردید. پس از تدوین پرسشنامه‌ها، محقق آن را در اختیار تعدادی از استادان و صاحب‌نظران و همچنین تعدادی از مدیران جامعه مورد مطالعه قرار داده و پس از اخذ نظرات جمع‌مذکور، اقدامات اصلاحی در پرسشنامه‌ها انجام شد.

در این پژوهش برای سنجش پایایی پرسشنامه‌ها، پس از وارد کردن داده‌ها، با استفاده از نرم‌افزار Spss، ضریب پایایی (آلفای کرونباخ) برای پرسشنامه‌ها تقریباً ۰,۹۱۷۶ تعیین شد.

نگاره شماره (۲) - وضعیت پایایی پرسشنامه‌ها

بعد	تعداد سؤالات	مقدار آلفای کرونباخ
اقتصادی	۱۳	۰,۸۳۶۸
سیاسی	۱۸	۸۵۰۳۰
فناورانه	۱۷	۸۶۹۲۰
کل پرسشنامه	۴۸	۹۱۷۶۰

در این تحقیق چون سؤالات پرسشنامه‌ها بر اساس مقیاس رتبه‌ای لیکرت تنظیم شده‌اند، لذا پنج‌رتبه (خیلی کم، کم تا حدودی، زیاد، خیلی زیاد) وجود دارد که به هرکدام امتیازی به‌صورت زیر اختصاص داده شده است.

در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از روش‌های آماری زیر استفاده شده است:

آمار استنباطی: ۱- آزمون پایایی پرسشنامه؛ ۲- آزمون کلموگروف- اسمیرنوف: برای تعیین نرمال یا غیرنرمال بودن داده‌های جمع‌آوری شده از پرسشنامه؛ ۳- ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی وجود رابطه بین ابعاد و شاخص‌ها؛ ۴- آزمون اندازه‌گیری‌های مکرر^{۱۱} برای رتبه‌بندی ابعاد و شاخص‌ها و ۵- آزمون تی زوجی برای بررسی تأیید یا رد شدن فرضیات. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و انتخاب آزمون‌های آماری ابتدا باید بررسی شود که اطلاعات جمع‌آوری شده از پرسشنامه نرمال است یا خیر؟ اگر داده‌ها نرمال باشند از آزمون‌های آماری پارامتریک و در غیر این صورت از آزمون‌های آماری ناپارامتریک استفاده می‌شود. آزمون کولموگروف- اسمیرنوف. آزمون نرمال بودن (کولموگروف اسمیرنوف) برای شاخص عوامل اقتصادی.

داده‌ها نرمال است (داده‌ها از جامعه نرمال آمده‌اند): H0

9. Validity

10. Reliability

11 Repeated Measure

داده‌ها نرمال نیست (داده‌ها از جامعه نرمال نیامده‌اند): H_1
 اگر مقدار سطح معنی‌داری بزرگ‌تر از مقدار خطا باشد، فرض صفر را نتیجه می‌گیریم و در صورتی که مقدار سطح معنی‌داری کوچک‌تر از خطا باشد فرض یک را نتیجه می‌گیریم.

نگاره شماره (۳) - بررسی وضعیت نرمال بودن داده‌ها

متغیر	سطح معنی‌داری	مقدار خطا	تأیید فرضیه	نتیجه‌گیری
عوامل اقتصادی	۰,۵۵۰	۰,۰۵	H_0	نرمال است
عوامل سیاسی	۰,۵۳۲	۰,۰۵	H_0	نرمال است
عوامل فناورانه	۰,۳۶۷	۰,۰۵	H_0	نرمال است

با توجه به نگاره بالا مشخص شد که تمام داده‌های جمع‌آوری شده نرمال می‌باشند. لذا در آمار استنباطی از آزمون‌های پارامتریک استفاده خواهد شد.

۷. نتایج حاصل از آزمون فرضیات

فرضیه اصلی. بین عوامل محیطی مؤثر در برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی کشور رابطه معناداری وجود دارد. چون رابطه بین سه بعد در فرضیات فرعی مورد تأیید قرار گرفت، لذا می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه اصلی تحقیق نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد.

فرضیه‌های فرعی. بین عوامل محیطی (اقتصادی) با عوامل محیطی (سیاسی) در برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی کشور رابطه معناداری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی بین ابعاد عوامل اقتصادی و عوامل سیاسی ۰,۴۹۵ است که نشان‌دهنده همبستگی بالا و مستقیم بین عوامل اقتصادی و عوامل سیاسی می‌باشد. به عبارتی فرضیه فرعی اول مورد تأیید قرار می‌گیرد.

بین عوامل محیطی (اقتصادی) با عوامل محیطی (فناورانه) در برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی کشور رابطه معناداری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی بین ابعاد عوامل اقتصادی و عوامل فناورانه ۰,۳۰۰ است که نشان‌دهنده همبستگی مستقیم بین عوامل اقتصادی و عوامل فناورانه است. به عبارتی فرضیه فرعی دوم مورد تأیید قرار می‌گیرد.

بین عوامل محیطی (سیاسی) با عوامل محیطی (فناورانه) در برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی کشور رابطه معناداری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی بین ابعاد عوامل سیاسی و عوامل فناورانه ۰,۶۴۵ است که نشان‌دهنده همبستگی بالا و مستقیم بین عوامل سیاسی و عوامل فناورانه است. به عبارتی فرضیه فرعی سوم مورد تأیید قرار می‌گیرد.

نگاره شماره (۴) - ضرایب همبستگی روابط بین ابعاد سه‌گانه

ابعاد	سطح معنی‌داری	مقدار خطا	مقدار ضریب همبستگی	نتیجه‌گیری	تأیید یا رد فرضیه
عوامل اقتصادی و عوامل سیاسی	۰,۰۰۰	۰,۰۵	۰,۴۵۹	وجود رابطه	تأیید

تأیید	وجود رابطه	۰,۳۰۰	۰,۰۵	۰,۰۰۱	عوامل اقتصادی و عوامل فناوریانه
تأیید	وجود رابطه	۰,۶۴۵	۰,۰۵	۰,۰۰۰	عوامل سیاسی و عوامل فناوریانه

در این پژوهش علاوه بر بررسی رابطه بین ابعاد سه‌گانه سیاسی، اقتصادی و فناوریانه به بررسی رابطه شاخص‌های نه‌گانه نیز پرداخته شد که نتایج آن بررسی‌ها به صورت خلاصه در نگاره‌های زیر آمده است.

نگاره شماره (۵) - ضرایب همبستگی روابط بین اشتغال از بعد اقتصادی و سایر شاخص‌ها

شاخص‌ها	سطح معنی‌داری	مقدار خطا	مقدار ضریب همبستگی	نتیجه‌گیری	تأیید یا رد فرضیه
اشتغال و تورم	۰,۰۰۰	۰,۰۵	۰,۶۳۶	وجود رابطه	تأیید
اشتغال و فساد	۰,۰۰۰	۰,۰۵	۰,۵۹۶	وجود رابطه	تأیید
اشتغال و مشارکت	۰,۰۰۰	۰,۰۵	۰,۴۶۳	وجود رابطه	تأیید
اشتغال و قوانین و مقررات	۰,۰۴۴	۰,۰۵	۰,۱۸۶	وجود رابطه	تأیید
اشتغال و احزاب	۰,۰۵۲	۰,۰۵	۰,۱۷۹	نبود رابطه	رد
اشتغال و سخت‌افزار	۰,۰۱۶	۰,۰۵	۰,۲۲۲	وجود رابطه	تأیید
اشتغال و نرم‌افزار	۰,۰۳۴	۰,۰۵	۰,۱۹۵	وجود رابطه	تأیید
اشتغال و فرایندها	۰,۱۸۴	۰,۰۵	۰,۱۲۳	نبود رابطه	رد

با توجه به نگاره بالا می‌توان اذعان کرد که به جز رابطه بین شاخص اقتصادی اشتغال با دو شاخص احزاب و شاخص فرایندها رابطه معنی‌داری بین سایر شاخص‌ها وجود دارد.

نگاره شماره (۶) - ضرایب همبستگی روابط بین تورم از بعد اقتصادی و سایر شاخص‌ها

شاخص‌ها	سطح معنی‌داری	مقدار خطا	مقدار ضریب همبستگی	نتیجه‌گیری	تأیید یا رد فرضیه
تورم و فساد	۰,۰۰۰	۰,۰۵	۰,۵۷۵	وجود رابطه	تأیید
تورم و مشارکت	۰,۰۰۰	۰,۰۵	۰,۴۷۴	وجود رابطه	تأیید
تورم و قوانین و مقررات	۰,۰۱۲	۰,۰۵	۰,۲۱۳	وجود رابطه	تأیید
تورم و احزاب	۰,۶۰۴	۰,۰۵	۰,۰۴۸	نبود رابطه	رد
تورم و سخت‌افزار	۰,۱۳۷	۰,۰۵	۰,۱۳۸	نبود رابطه	رد
تورم و نرم‌افزار	۰,۱۳۱	۰,۰۵	۰,۱۴۰	نبود رابطه	رد
تورم و فرایندها	۰,۰۲۲	۰,۰۵	۰,۲۱۰	وجود رابطه	تأیید

در بررسی رابطه بین شاخص تورم با دیگر شاخص‌ها، رابطه بین تورم با شاخص‌های احزاب- سخت‌افزار و نرم‌افزار رد شد و سایر روابط مورد تأیید قرار گرفت. بالاترین رابطه و ضریب همبستگی بین شاخص تورم با شاخص فساد وجود دارد و کمترین ضریب همبستگی بین شاخص تورم و شاخص فرایندها وجود دارد.

نگاره شماره (۷) - ضرایب همبستگی روابط بین فساد از بعد اقتصادی و سایر شاخص‌ها

شاخص‌ها	سطح معنی‌داری	مقدار خطا	مقدار ضریب همبستگی	نتیجه‌گیری	تأیید یا رد فرضیه
فساد و مشارکت	۰,۰۰۰	۰,۰۵	۰,۶۲۶	وجود رابطه	تأیید
فساد و قوانین و مقررات	۰,۰۰۰	۰,۰۵	۰,۶۴۸	وجود رابطه	تأیید
فساد و احزاب	۰,۰۰۴	۰,۰۵	۰,۲۶۵	وجود رابطه	تأیید
فساد و سخت‌افزار	۰,۰۰۰	۰,۰۵	۰,۳۳۴	وجود رابطه	تأیید
فساد و نرم‌افزار	۰,۰۰۰	۰,۰۵	۰,۳۳۰	وجود رابطه	تأیید
فساد و فرایندها	۰,۰۰۰	۰,۰۵	۰,۳۱۸	وجود رابطه	تأیید

نگاره بالا نشان می‌دهد که بین فساد و دیگر شاخص‌های شش‌گانه ذکر شده در نگاره رابطه معنی‌داری وجود دارد. بیشترین ضریب همبستگی بین دو شاخص فساد و قوانین و مقررات و کمترین ضریب همبستگی بین دو شاخص فساد و احزاب با ضریب همبستگی ۰,۲۶۵ وجود دارد.

نگاره شماره (۸) - ضرایب همبستگی روابط بین مشارکت از بعد سیاسی و سایر شاخص‌ها

شاخص‌ها	سطح معنی‌داری	مقدار خطا	مقدار ضریب همبستگی	نتیجه‌گیری	تأیید یا رد فرضیه
مشارکت و قوانین و مقررات	۰,۰۰۰	۰,۰۵	۰,۶۲۴	وجود رابطه	تأیید
مشارکت و احزاب	۰,۰۰۲	۰,۰۵	۰,۶۸۸	وجود رابطه	تأیید
مشارکت و سخت‌افزار	۰,۰۰۰	۰,۰۵	۰,۴۶۰	وجود رابطه	تأیید
مشارکت و نرم‌افزار	۰,۰۰۰	۰,۰۵	۰,۴۷۷	وجود رابطه	تأیید
مشارکت و فرایندها	۰,۰۰۰	۰,۰۵	۰,۳۷۳	وجود رابطه	تأیید

بررسی رابطه بین شاخص سیاسی مشارکت با دیگر شاخص‌های قوانین و مقررات، احزاب، سخت‌افزار، نرم‌افزار و فرایندها حاکی از آن است که رابطه معنی‌داری بین شاخص مشارکت با شاخص‌های نامبرده در بالا دارد. بالاترین ضریب همبستگی متعلق به رابطه بین مشارکت و احزاب است و کمترین ضریب همبستگی متعلق به شاخص مشارکت و شاخص فناوریانه فرایندها است.

نگاره شماره (۹) - ضرایب همبستگی روابط بین قوانین و مقررات از بعد سیاسی و دیگر شاخص‌ها

شاخص‌ها	سطح معنی‌داری	مقدار خطا	مقدار ضریب همبستگی	نتیجه‌گیری	تأیید یا رد فرضیه
قوانین و مقررات و احزاب	۰,۰۰۰	۰,۰۵	۰,۳۹۵	وجود رابطه	تأیید
قوانین و مقررات و سخت‌افزار	۰,۰۰۰	۰,۰۵	۰,۴۰۶	وجود رابطه	تأیید
قوانین و مقررات و نرم‌افزار	۰,۰۰۰	۰,۰۵	۰,۴۳۷	وجود رابطه	تأیید
قوانین و مقررات و فرایندها	۰,۰۰۰	۰,۰۵	۰,۴۰۶	وجود رابطه	تأیید

نگاره بالا نیز وجود رابطه معنی‌دار بین شاخص سیاسی قوانین و مقررات و شاخص‌های (احزاب- سخت‌افزار- نرم‌افزار و فرایندها) را مورد تأیید قرار می‌دهد.

نگاره شماره (۱۰) - ضرایب همبستگی روابط بین احزاب از بعد سیاسی و دیگر شاخص‌ها

شاخص‌ها	سطح معنی‌داری	مقدار خطا	مقدار ضریب همبستگی	نتیجه‌گیری	تأیید یا رد فرضیه
احزاب و سخت‌افزار	۰,۰۰۰	۰,۰۵	۰,۴۴۱	وجود رابطه	تأیید
احزاب و نرم‌افزار	۰,۰۰۰	۰,۰۵	۰,۵۰۸	وجود رابطه	تأیید
احزاب و فرایندها	۰,۰۰۰	۰,۰۵	۰,۳۶۴	وجود رابطه	تأیید

با مطالعه و بررسی نگاره بالا می‌توان به این نتیجه رسید که بین شاخص سیاسی احزاب و شاخص‌های سه‌گانه فناورانه رابطه معنی‌داری وجود دارد و در بین شاخص‌های سه‌گانه فناورانه، شاخص نرم‌افزار با شاخص احزاب بیشترین رابطه معنی‌داری را دارا است.

نگاره شماره (۱۱) - ضرایب همبستگی روابط بین سخت‌افزار از بعد فناورانه و دیگر

شاخص‌ها

شاخص‌ها	سطح معنی‌داری	مقدار خطا	مقدار ضریب همبستگی	نتیجه‌گیری	تأیید یا رد فرضیه
سخت‌افزار و نرم‌افزار	۰,۰۰۰	۰,۰۵	۰,۷۳۵	وجود رابطه	تأیید
سخت‌افزار و فرایندها	۰,۰۰۰	۰,۰۵	۰,۳۹۹	وجود رابطه	تأیید
نرم‌افزار و فرایندها	۰,۰۰۰	۰,۰۵	۰,۴۷۴	وجود رابطه	تأیید

در بررسی آخرین نگاره در این قسمت می‌توان بر رابطه معنی‌دار دوسویه عوامل فناورانه صحنه گذاشت که رابطه بین سخت‌افزار و نرم‌افزار با درجه همبستگی ۰,۷۳۵ دارای بیشترین درجه همبستگی است.

نگاره شماره (۱۲) - آزمون اندازه‌گیری‌های مکرر برای رتبه‌بندی و مقایسه ابعاد

شاخص‌ها	میانگین رتبه‌ها
عوامل اقتصادی	۳,۲۹۵۳
عوامل سیاسی	۲,۸۷۸۱
عوامل فناورانه	۲,۸۷۶۹

نگاره شماره (۱۳) - سطح معنی‌داری آزمون اندازه‌گیری‌های مکرر برای رتبه‌بندی و مقایسه

ابعاد

سطح معنی‌داری	خطا	تأیید فرضیه	نتیجه‌گیری
۰,۰۰۰	۰,۰۵	H1	$\mu_i \neq \mu_j$ زنبه ازای حداقل یک

اگر مقدار سطح معنی‌داری بزرگ‌تر از مقدار خطا باشد فرض صفر را نتیجه می‌گیریم و در صورتی که مقدار سطح معنی‌داری کوچک‌تر از خطا باشد فرض یک را نتیجه می‌گیریم.

حال چون مقدار سطح معنی داری ۰,۰۰۰ و کوچک تر از مقدار خطا ۰,۰۵ است به ازای حداقل یک i, j شاخص ها با یکدیگر برابر نمی باشند پس باید با استفاده از آزمون تی زوجی به بررسی تساوی زوجی این شاخص ها پرداخت.

نگاره شماره (۱۴) - آزمون تی زوجی جهت تساوی دو به دوی شاخص ها

متغیرها	سطح معنی داری	مقدار خطا	تأیید فرضیه	نتیجه گیری
عوامل اقتصادی - عوامل سیاسی	۰۰۰0.	۰,۰۵	H1	$\mu_1 \neq \mu_2$
عوامل اقتصادی - عوامل فناوریانه	0.000	۰,۰۵	H1	$\mu_1 \neq \mu_3$
عوامل سیاسی - عوامل فناوریانه	0.978	۰,۰۵	H0	$\mu_2 = \mu_3$

$$H0: \mu_i = \mu_j$$

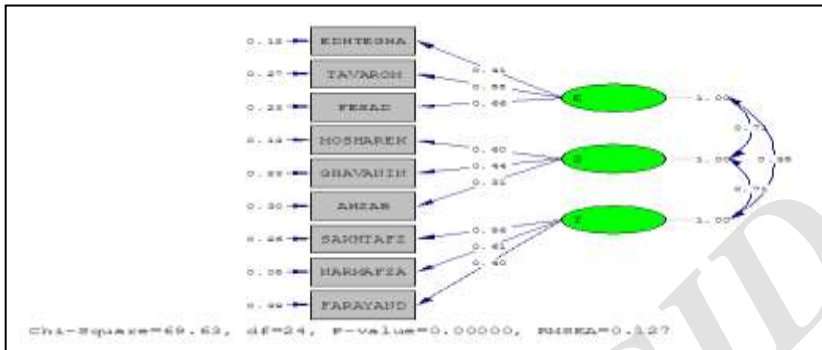
$$H1: \mu_i \neq \mu_j$$

اگر مقدار سطح معنی داری بزرگ تر از مقدار خطا باشد، فرض صفر را نتیجه می گیریم و در صورتی که کوچک تر باشد، فرض یک را نتیجه می گیریم. پس با توجه به سطح معنی داری ۳ آزمون تی زوجی و مقایسه آن با مقدار خطای ۰,۰۵ به این نتیجه می رسیم که تنها شاخص های عوامل سیاسی و عوامل فناوریانه اختلاف معنی داری با یکدیگر ندارند. پس با توجه به آزمون های پارامتری اندازه گیری های مکرر، تی زوجی و میانگین شاخص ها، رتبه بندی سه شاخص به صورت زیر انجام می شود:

رتبه اول. عوامل اقتصادی و رتبه دوم. عوامل سیاسی - عوامل فناوریانه.

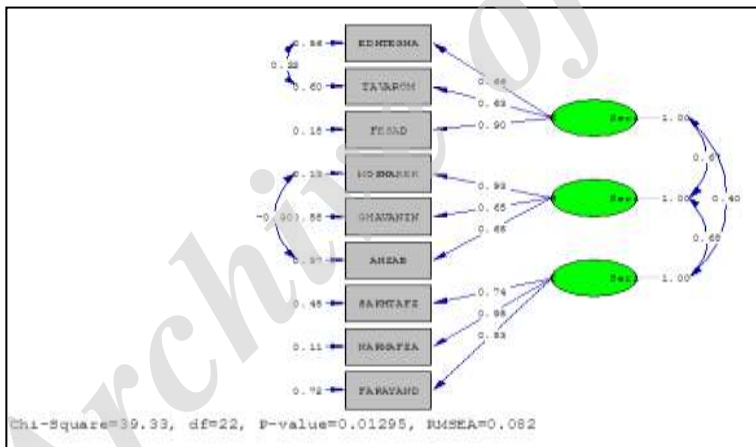
پس از تخمین پارامترهای الگو، پرسشی که مطرح می شود این است که تا چه حد الگو مورد نظر با داده های مربوط سازگاری دارد؟ پاسخ به این پرسش تنها از طریق بررسی برازش الگو امکان پذیر است. هدف از ارزیابی برازش کل الگو این است که مشخص شود تا چه حد کل الگو با داده های تجربی مورد استفاده سازگاری و توافق دارد. مجموعه وسیعی از معیارها و شاخص های برازندگی^{۱۲} وجود دارند که می توانند برای اندازه گیری کل الگو مورد استفاده قرار گیرند؛ اما نکته قابل توجه این است که یک محقق باید از معیارهای مختلفی برای قضاوت در مورد برازش الگو استفاده کند؛ زیرا شاخص واحدی وجود ندارد که به طور قطعی برای آزمون الگو، مورد قضاوت و ارزیابی قرار گیرد (کلانتری، ۱۳۸۸).

نمودار (۵) - الگوی اولیه روابط بین شاخص‌ها و ابعاد



در الگوی بالا که الگوی اولیه و قبل از اصلاح است، روابط اولیه بین شاخص‌ها و ابعاد مورد بررسی قرار گرفته است

نمودار (۶) - الگوی نهایی ارتباط بین شاخص‌ها و ابعاد



همان‌طور که در شکل بالا مشاهده می‌شود، شاخص‌های برازندگی الگو نشان‌دهنده برآزش مناسب الگوی اندازه‌گیری است (کای دو به درجه آزادی کوچک‌تر از ۳، p-value کوچک‌تر از ۰/۰۵ و RMSEA نیز کوچک‌تر از ۱ است).

۸. شاخص‌های تأییدکننده برازش الگو

شاخص نیکویی برازش (GFI).^{۱۳} این شاخص نسبت مجموع مجذور تفاوت‌ها به واریانس مشاهده شده است. مقدار آن باید بین صفر و یک باشد و مقدار بزرگ‌تر از ۰/۹ حاکی از برازش قابل قبول الگو است. در این الگو شاخص نیکویی برازش برابر با ۰/۹۳ است که حاکی از برازش قابل قبول الگو است.

شاخص بنتلر - بونت.^{۱۴} یا شاخص نرم‌شده برازندگی (NFI).^{۱۵} این شاخص الگو صفر را به عنوان الگوی که در آن همه همبستگی‌ها صفر است، تعریف می‌کند. چنانچه مقدار این شاخص بین ۰/۹۰ تا ۰/۹۵ باشد قابل قبول و مقادیر بالاتر از ۰/۹۵ عالی است. شاخص بنتلر - بونت در این الگو برابر با ۰/۹۱ و قابل قبول است.

شاخص تاکر - لویز.^{۱۶} یا شاخص نرم نشده برازندگی (NNFI).^{۱۷} اگر این شاخص بزرگ‌تر از یک باشد، برابر با یک قرار داده می‌شود و همانند شاخص بنتلر - بونت تفسیر می‌شود. باید توجه داشت که مقدار کوچک نسبت مجذور کای به درجه آزادی (تا آنجا که کوچک‌تر از یک نباشد) دلالت بر برازش بهتر الگو دارد. شاخص تاکر - لویز در این الگو برابر ۰/۹۲ و قابل قبول است.

شاخص برازندگی تطبیقی (CFI).^{۱۸} این شاخص برازندگی الگوی موجود را با الگوی صفر که در آن فرض می‌شود متغیرهای مکنون موجود در الگو ناهمبسته‌اند، مقایسه می‌کند. مقدار آن بر پایه قرارداد باید دست کم ۰/۹۰ باشد تا الگو مورد نظر پذیرفته شود. در این الگو شاخص برازندگی تطبیقی برابر با ۰/۹۵ به دست آمد و به دلیل اینکه بیشتر از ۰/۹۰ است، الگو مورد نظر پذیرفته می‌شود.

شاخص برازندگی فزاینده (IFI) به NFI شباهت دارد و باید دست کم ۰/۹۰ باشد تا الگو پذیرفته شود. در این الگو شاخص برازندگی فزاینده برابر با ۰/۹۵ است و الگوی مورد نظر پذیرش می‌شود.

شاخص ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA).^{۱۹} این شاخص مبتنی بر پارامتر غیرمرکزی است؛ زمانی که مقدار این آماره کمتر از ۰/۰۵ باشد، نشان می‌دهد که الگو از برازش خوبی برخوردار است. در صورتی که مقدار آن بین ۰/۰۵ تا ۰/۱ باشد، برازش قابل قبول و

13. Goodness of Fit Index (GFI)

14. Bentler-Bonett

15. Normed Fit Index (NFI)

16. Tucker-Lewis

17. Non-Normed Fit Index (NNFI)

18. Comparative Fit Index

19. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

اگر بزرگ‌تر از ۰/۱ باشد، ضعیف است. در این الگو شاخص ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب برابر با ۰/۰۸۲ است و تأییدکننده این امر است که الگو مورد تأیید است. بعد از اصلاح الگو، این نتیجه حاصل شد که بین دو شاخص اشتغال و تورم از بعد اقتصادی رابطه وجود دارد و ضریب مسیر برابر با ۰/۲۲ است و چون بزرگ‌تر از صفر است حاکی از وجود رابطه بین این دو شاخص است. در الگوی اصلاح‌شده بین دو شاخص دیگر نیز وجود رابطه مورد تأیید قرار گرفت که دو شاخص مشارکت و شاخص احزاب است. در الگو اصلاح‌شده ضریب مسیر بین ابعاد مشخص شد که در جدول زیر قابل مشاهده است.

نگاره شماره (۱۵) - جدول ضرایب مسیر ابعاد

روابط بین دو بعد	ضریب مسیر
اقتصادی و سیاسی	۰/۶۷
سیاسی و فناوریانه	۰/۶۸
اقتصادی و فناوریانه	۰/۴۰

با توجه به نگاره بالا می‌توان اذعان کرد که بین سه بعد رابطه معنی‌داری وجود دارد. البته باید بیان کرد که رابطه بین دو بعد اقتصادی و فناوریانه نسبت به دو رابطه دیگر ضعیف‌تر است.

فرجام

فرهنگ هر ملت تشکیل‌دهنده هویت آن است. برای حفظ استقلال و آزادی یک ملت باید ارزش‌ها و باورهای آن ملت زنده نگه داشته شود؛ در غیر این صورت آن ملت مورد استثمار متجاوزان قرار خواهد گرفت. برای حفظ و زنده نگه‌داشتن فرهنگ یک ملت باید سپری بر فرهنگ کشید که آن سپر برای برنامه‌ریزی بلندمدت در حوزه فرهنگی است. فرهنگ نیز موضوعی جدا از زمینه محیط نیست. در این تحقیق با بررسی رابطه بین عوامل محیطی مؤثر بر برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی کشور پرداخته شد و با آزمون فرضیات مورد طرح در پژوهش، رابطه بین عوامل اقتصادی-سیاسی و فناوریانه تأثیرگذار بر برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی کشور مورد تأیید قرار گرفت. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در کشور ما حوزه فرهنگ متولی‌های متعددی دارد که وظایف بسیاری از این سازمان‌ها متداخل بوده و تفکیک وظایف بین این نهادها رعایت نشده است. از دیگر نتایج به‌دست آمده این است که در امر برنامه‌ریزی فرهنگی، نیروی انسانی متخصص بسیار نادر است و جا دارد مسئولان امر نسبت به تربیت و آموزش متخصصان امر برنامه‌ریزی همت گمارند. لذا در این راستا می‌توان پیشنهادهایی ارائه کرد:

۱. با توجه به نتایج فرضیات، ارتباط بین عوامل محیطی مؤثر بر برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی کشور مورد تأیید قرار گرفت و با قبول این امر، متولیان مقوله فرهنگ کشور (سازمان‌ها و نهادهای اصلی) باید در تدوین برنامه‌ریزی‌های فرهنگی خود سه بعد اقتصادی، سیاسی و

فناورانه را به صورت مقولاتی به هم مرتبط و پیوسته تلقی و نسبت به آن نگاهی جامع و نظام‌مند داشته باشند.

۲. باید اذعان کرد که در بررسی‌ها به این موضوع پی برده شد که برنامه‌ریزی فرهنگی کشور دارای متولی‌های متعددی است و بسیاری از نهادها به‌طور موازی و با وظایف متداخل نسبت به هم در حال انجام فعالیت هستند که نشان از نبود نگرش منسجم و یکپارچه است. پیشنهاد می‌شود این امر خطیر به یک متولی اصلی به‌عنوان پیشگام در مقوله فرهنگ کشور سپرده شود و سایر سازمان‌ها و نهادهای درگیر در امور فرهنگی با این مرکز به‌عنوان مغز متفکر در تعامل باشند.

۳. در رتبه‌بندی عوامل سه‌گانه سیاسی، اقتصادی و فناورانه عوامل اقتصادی در رتبه نخست و دو عامل دیگر در جایگاه دوم قرار گرفتند که این امر حاکی از اهمیت مسائل اقتصادی از دیدگاه کارشناسان و مدیران خبره در حوزه برنامه‌ریزی فرهنگی است و جا دارد متخصصان امر توجه ویژه‌ای به این موضوع داشته باشند.

۴. این پژوهش نشان داد که کشور با محدودیت افراد متخصص و خبره در حوزه برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی مواجه است؛ لذا باید نسبت به تربیت و آموزش متخصصانی که دیدگاهی جامع نسبت به همه مسائل تأثیرگذار بر حوزه فرهنگ دارند، اقدام شود.

۵. نتایج حاصله از پرسشنامه‌ها در بخش فناورانه نشان داد که به‌طور کلی کشور در شاخص‌های سخت‌افزار- نرم‌افزار و فرایندهای انجام کار با ضعف و کاستی‌هایی روبه‌رو است. با توجه به سیر تکاملی و پرشتاب جهانی شدن، باید با استفاده از فناوری‌های نرم و سخت‌افزاری نسبت به انجام برنامه‌ریزی راهبردی مناسب در حوزه فرهنگ اقدام کرد و بی‌توجهی نسبت به آن زوال و ضعف دولت و ساختارهای اجتماعی را دربر خواهد داشت.

۶. با توجه به اینکه بیشتر فعالیت‌های اقتصادی کشور در حوزه تصدی‌گری دولت است. به دلیل کم‌توجهی به مسائل اخلاقی و فرهنگی، نگرش حاکم در حوزه اقتصادی بیشتر اخلاق اقتصادی است تا اقتصاد اخلاقی. ما به‌جای آنکه مؤلفه‌های اقتصادی جامعه را به سمت ارزش‌ها هدایت کنیم، متأسفانه اخلاق جامعه را اقتصادی کرده‌ایم. حتی کسانی که داعیه‌داران کار فرهنگی در جامعه هستند می‌خواهند با اخلاق اقتصادی یعنی دنیاخواهی و رفاه‌طلبی، شعارهای دینی و ارزشی را در کشور نهادینه کنند که البته این تزاممی آشکار است و هیچ‌گاه محقق نخواهد شد. تنها با مهار تمایلات اقتصادی توسط معیارهای اخلاقی و دینی نظیر زهد و عدل می‌توان به تحقق ارزش‌ها در جامعه امیدوار بود و دولتمردان کشور

- باید با توجه به ریشه‌های فرهنگی و باورهای مردم جامعه در جهت اصلاح نظام اقتصادی و نگرش اقتصادی حاکم بر جامعه گام بردارند.
۷. عدم تبادل تجارب فرهنگی کشور و راهبردی نبودن تولیدات و برنامه‌های فرهنگی و آموزشی در میدان عمل و نیز عدم موازنه بین حجم برنامه‌های فرهنگی با نیازهای جامعه و افراط و تفریط در ارائه محصولات، بدون توجه به جنبه‌های الگویی و رفتاری آن. مسئولان امر باید در تهیه برنامه‌های فرهنگی و آموزشی نقش اساسی و نظارتی خود را به‌خوبی ایفا کنند.
۸. با توجه به وضعیت فعلی فرهنگ حاکم بر کشور و منفعل بودن آن، ضرورت مهندسی و بازخوانی دوباره فرهنگ و قوانین حاکم بر کشور احساس می‌شود و باید برای توفیق در اهداف برنامه‌ریزی‌های فرهنگی کشور به آنها توجهی ویژه داشت.
۹. نبود چشم‌انداز فرهنگی مطلوب در کشور باعث سردرگمی، موازی‌کاری و تداخل وظایف سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی کشور شده است که نیازمند آن است که شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با هم و در کنار هم به تدوین این چشم‌انداز فرهنگی همت گمارند.
۱۰. با توجه به اینکه مشکلات و معضلات کنونی نظام اداری کشور، ریشه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دارند باید مسئولان امر برای تحول و بهبود وضع نظام اداری کشور به امر فرهنگ و برنامه‌ریزی در آن حوزه به‌منظور موفقیت سایر حوزه‌های دیگر اقدام کند.
۱۱. پیشنهاد می‌شود برای شناسایی بهتر عوامل محیطی تأثیرگذار بر برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی کشور از استادان دانشگاه و متخصصان امر و مسئولان حوزه فرهنگی کمیته‌ای تشکیل شود تا بتوان گام مهم و اصلی در برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی که شناسایی محیط است را برداشت.

منابع فارسی

- آهنچی، محمد (۱۳۸۶)، *مدیریت استراتژیک: نگرشی نو بر مدیریت استراتژیک در تئوری و عمل*، تهران: داستان.
- اکرمی‌فر، سیدعلی (۱۳۸۰)، «تحولات فناوری و ماهیت مشاغل در عصر اطلاعات و ارتباطات»، *مجموعه مقالات همایش نقش فناوری اطلاعات در اشتغال*، تهران: دفتر همکاری‌های فناوری ریاست جمهوری.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲)، *تحولات فرهنگی در جامعه پیشرفت صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- براتی، ناصر (۱۳۷۷)، «توسعه فرهنگی پایدار»، *برنامه‌ویودجه*، سال دوم، (پیاپی ۲۴)، شماره ۱۲.

- پاول، ساموئل (۱۳۷۴)، *مدیریت استراتژیک در برنامه‌های توسعه*، ترجمه علی‌اشرف افخمی، تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
- پستمن، نیل (۱۳۸۰)، *تکنوبولی: تسلیم فرهنگ به فناوری*، ترجمه صادق طباطبایی، تهران: روزنامه اطلاعات.
- حسینی، ابراهیم (۱۳۸۲)، «بررسی سیاست‌های فرهنگی در نگاهی مقایسه‌ای»، *مجموعه مقالات مطالعه فرهنگی*، تهران: جهاد دانشگاهی.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۸۲)، *روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه‌نویسی*، تهران: بازتاب.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۶)، *توسعه و تضاد*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- رفیع‌زاده، شهرام (۱۳۷۸)، *آناطومی فرهنگی*، تهران: انتشار.
- سرآبادانی، غلامرضا (۱۳۸۵)، «تورم، عوامل و راهکارهای مقابله با آن در ایران»، *اقتصاد اسلامی*، دوره ششم، شماره ۲۱.
- سردارآبادی، خلیل‌اله (۱۳۸۲)، «سازوکار و ویژگی‌های رانت‌جویی سیاسی»، *فرهنگ اندیشه*، سال سوم، شماره ۱۱.
- شریف‌زاده، فتاح و حسن بودلایی (۱۳۸۷)، *مدیریت دانش در سازمان‌های اداری، تولیدی و خدماتی*، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه علامه طباطبایی.
- طبرسا، غلامعلی (۱۳۸۲)، *تبیین چالش‌های فراروی سیاست‌گذاری در حوزه فرهنگ*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۷۴)، *مبانی اندیشه سیاسی اسلام*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- عیوضی، محمدرحیم و عین‌اله کشاورز ترک (۱۳۹۲)، «نظام برنامه‌ریزی فرهنگی شده در انقلاب اسلامی با رویکرد آینده‌پژوهی»، *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، دوره سوم، شماره ۱: ۲۲-۱.
- قاضی‌نوری، سپهر (۱۳۸۳)، «تحلیل نقش فناوری در ایجاد اشتغال در کشور»، *مدیریت فردا*، سال اول، شماره ۳ و ۴.
- کلانتری، صمد (۱۳۸۴)، *نگاهی نو بر مسائل اقتصادی، سیاسی و جامعه‌شناختی جهان سوم*، تهران: پژوهشگاه امور اقتصادی.
- موحدی، مسعود و مسعود عابسی (۱۳۸۳)، «فناوری اطلاعات و فرهنگ: بررسی اهمیت ابعاد فرهنگی به‌کارگیری فناوری اطلاعات»، *مطالعات مدیریت بهبود و تحول*، شماره ۴۲-۴۱.
- نظری، محسن (۱۳۸۷)، *اقتصاد کلان*، تهران: نگاه دانش.
- هج، مری‌جو (۱۳۸۸)، *تئوری سازمان: مدرن، نمادین-تفسیری و پست‌مدرن*، ترجمه حسن دانایی‌فر، تهران: افکار.
- یونسکو (۱۳۷۷)، *فرهنگ و توسعه رهیافت مردم‌شناختی توسعه*، ترجمه نعمت‌اله فاضلی و محمدصادق فاضلی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.

منابع لاتین

- Almanel, Gabriel & Sindney Verba (1996), *The ciric Culture*, Princeton: Princeton University Press.
- Arrow, K. J. (1998), The place of institutions in the economy: a theoretical perspective, *In The Institutional Foundations of East Asian Economic Development* (pp.39-48), London: Palgrave Macmillan.
- Bernard, H. R., & Pelto, P. (1972), *Technology and social change* (Vol. 111), New York: Macmillan.
- Bernstein, Richard, A. (2014), "A Guide to Smart and Cultural Resource Planning", Wisconsin Historical Society, available at: [Www. Wisconsinhistory. Org.](http://www.wisconsinhistory.org)
- Ghilardi, L. (2001), "Cultural planning and cultural diversity", *Differing Diversities*, 123.
- Ghilardi, L. (2005), Culture at the centre, *Cultural planning: A strategic approach to successful and sustainable community-based regeneration in Scotland*, London: Noema Research and Planning Ltd.
- Hayami, Y & Aoki, M. (1998), *The Institutional Foundations of East Asian Economic Development*, Springer.
- Hofstede, g. (1997), "Cultures and Organizations", ed mc graw hill, 1997.
- Inayatullah, S. (2005), *Questioning the future: Methods and tools for organizational and societal transformation*.
- Inglehart, R. (1990), *Culture shift in advanced industrial society*, Princeton University Press.
- Kuosa, T. (2015), *Practising Strategic Foresight in Government: The Cases of Finland, Singapore, and the European Union*, S. Rajaratnam School of International Studies.
- Laclau, E. (1971), Feudalism and capitalism in Latin America, *New Left Review* 101.
- Landes, D. S. (2015), *Wealth and poverty of nations*, Hachette UK.
- Luton, H. (1976), "The satellite/metropolis model: a critique", *Theory and Society*, Vol.3, No.4: 573-581.
- Schein, e.h. (1999), *Organizational cultural and leadership*, Sanfrancisco: Jossey bass Inc.
- Straub, D. W., Loch, K. D., & Hill, C. E. (2003), "Transfer of information technology to the Arab world: a test of cultural influence modeling", *Advanced topics in global information management*, Vol.2: 141-172.
- Throsby, D. (2001), *Economics and culture*, Cambridge university press.
- World Bank (1999), *Culture and sustainable development: A framework for action*, World Bank, Environmentally and Socially Sustainable Development.